

یک

- زن در تعلیق تعریف ها
- سرطانی به نام «حجاب استایل»
- استاندارد دوگانه غرب
- حجاب استایل؛ تنوع قاعده مند
- آسیب زیبا

فہرست مطالب

● سخن سردبیر
زن در جامعہ امروزے

۳

● زن در تعلیق تعریف ہا
بازنگری زنانگے

۵

● سرطانی بہ نام حجاب استایل
حجاب استایل یا بلاگری

۸

● استاندارد دوگانہ غرب
پوشش برای نخبگان
برہنگے برای عوام

۱۱

● حجاب استایل؛
تنوع قاعدہ مند
حجاب استایل یا بلاگری

۱۴

● آسیب زیبا

۱۷

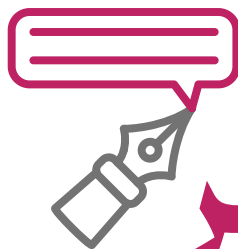
گاہنامہ فرہنگے دانشجویے حوزہ زنان
جامعہ اسلامیہ دانشجویان دانشگاہ شیراز

سردبیر: فاطمہ زہرا حسینی
مدیر مسئول: نازنین رفہاے
صاحب امتیاز: جامعہ اسلامیہ
دانشجویان دانشگاہ شیراز
ویراستار: نرجس محمدی
نویسندگان: فاطمہ زہرا حسینی
زہرا خوبیاری فرد، فاطمہ حکیمے
سیدہ ندا طباطبایی، زینب حسینی
طراح صفحہ آرا: ام البنین حساوین
شمارہ مجوز: ۲۹۸/ک ن ش



فاطمه زهرا حسینی
رشته علوم مهندسی
صنایع غذایی

سردبیر



سخن سردبیر

زن در جامعه امروزی، در جهانی قرار گرفته است که از یک سو رگه‌های پررنگی از سنت در آن حفظ شده و از سویی دیگر سبک زندگی مدرن با شتاب رسانه همراه شده است و هر روز تعریف تازه‌ای از هویت و بدن و حضور اجتماعی ارائه می‌دهد.

در این میان «پوشش»، دیگر صرفاً یک انتخاب ظاهری نیست؛ بلکه به مسئله‌ای هویتی و فرهنگی و حتی اجتماعی تبدیل شده است. مسئله‌ای که از تجربه شخصی تا گفتمان‌های کلان درگیر آن هستند، هم در فضای مجازی شکل می‌گیرد و هم در زیست روزمره زنان معنا پیدا می‌کند.

در این میان نقطه مشترکی شکل گرفته است: از پوشش اسلامی و زیست رسانه‌ای و سلیقه نسل جدید که به پدیده «حجاب‌استایل» منجر شده است؛ پدیده‌ای که از چند منظر به آن پرداخته شده است؛ یکی آن را نشانه انعطاف و تنوع و حضور راحت‌تر زنان در اجتماع می‌داند و دیگری زنگ خطری برای تهی‌شدن معنا و کارکرد اصلی حجاب.

شاید فکر کنید فقط در کشورهای اسلامی است که زنان درگیر پوشش و حفظ وقار خود در جامعه هستند؛ اما در غرب هم مهم است که پوشش در محیط‌های مهمی مثل: «دانشگاه‌ها و مراکز علمی» چگونه باشد و با آنچه که برای عوام نسخه می‌پیچند کاملاً متفاوت است و همه چیز آن‌گونه که در نتفلیکس به نمایش می‌گذارند، نیست.

در آخر، همه این بحث‌ها می‌تواند به یک انتخاب ساده برسد: انتخاب میان دیده‌شدن و معنا در جهانی که از یک سو پوشیدگی شرط تمرکز و جدیت است و از طرف دیگر، برهنگی‌ای که ارزش پیدا می‌کند و زن ناچار است راه خودش را پیدا کند. «گاهی بازگشت به سادگی، عقب‌گرد نیست؛ بلکه انتخابی آگاهانه برای ترجیح خودبودن است تا در معرض دیدبودن.»

در این شماره از نشریه پرنیان سعی کرده‌ایم به هویت و مسائل فرهنگی و اجتماعی و نقش زن در جامعه‌ای که از سنت به مدرنیته درحال تغییر است، بپردازیم و همچنین دو نقطه‌نظر متفاوت از حجاب‌استایل را نه برای ساده‌سازی مسئله بلکه برای دقیق‌تر دیده‌شدن آن واکاوی کرده و در ادامه نسخه‌ای که غرب برای پوشش زن پیچیده است را بررسی کنیم؛ در آخر نیز روایتی زیبا از انتخاب پوشش برتر یعنی «چادر» را بیان کرده‌ایم.

نشریه
پرنیان

شماره ۱۴ | دی‌ماه ۱۴۰۴



زن در تعلیق تعریف ها



از آنجایی که جامعه ما، جامعه درحال گذار است و بخش‌های مختلف جامعه (نهادهای وساختارها، هنجارها) درحال تغییرند و به تبع آن، هویت و نقش زن در جامعه نیز دستخوش تغییر شده است.

از ویژگی‌های جامعه درحال گذار، «وجود هم‌زمانی عناصر فرهنگی سنتی و فرهنگ مدرن است.» ما برای درک جایگاه و هویت زن در جامعه کنونی ایران باید به هر دو تعریف سنتی و مدرن از «زن» توجه کنیم.

تعریف سنتی‌ای که از زن در تاریخ ایران ارائه شده، به‌شدت تحت‌تاثیر عامل «مردسالاری» بوده است؛ زن دارای هویتی مستقل و فردی نبوده و در بطن خانواده و نقش‌هایی چون مادر، همسر و ناموس تعریف می‌شده است. یک زن خوب، زنی با ویژگی‌های وفادار، کم‌توقع، صبور، مطیع، مادری فداکار و برده همسر خود است.

یک زن از جهت زن‌بودن خود تعریف نمی‌شد؛ بلکه در قالب نقش‌های از قبل معین‌شده، درنظر گرفته می‌شد. زنان حق تحصیل، کار، ورزش و یا شکوفایی توانایی و استعداد فردی خود را نداشتند؛ اما در مقابل در تعریفی مدرن از زن، زنان را از جهت «زنانگی و جنسیت» تعریف می‌کنند: زنان انسان‌هایی مستقل و دارای حقوقی برابر با مردان هستند که اختیار کاملی بر جسم و سرنوشت و زندگی خود دارند.

جامعه ما در اثر تبادل فرهنگی با سایر جوامع و تحت‌تاثیر رسانه و همگونی در فرهنگ و جامعه جهانی، در مسیر جدایی از جامعه سنتی و حرکت به سمت مدرنیته قرار گرفته است و در این مسیر رسانه‌ها و فضای مجازی بیشترین تاثیر را در آگاهی و تغییر هویت و نقش زنان در جامعه ما داشته‌اند.

این تغییرات از یک سو سبب کم‌رنگ‌تر شدن الگوی زن سنتی و از سوی دیگر سبب بی‌نظمی‌هایی در هماهنگی نقش‌های سنتی و مدرن شده است. زن در جامعه ما در حال فاصله گرفتن از تعاریف و نقش‌های سنتی و حرکت به سمت استقلال و برابری و ارتقای حقوق خود است. زنان صرفاً مادر یا خانه‌دار نیستند؛ بلکه کنشگرانی‌اند که مستقل از نظام مردسالاری، فعالیت می‌کنند.

زنان در جامعه کنونی ایران به دنبال تقویت هویت و مهارت‌های فردی خود هستند و برخلاف گذشته که حق تحصیل و سوادآموزی نداشتند، امروزه با افزایش سطح تحصیل توانسته‌اند نقش‌های متفاوتی در امور اجتماعی و سیاسی و اقتصادی برای خود تعریف کنند؛ آزادی زنان در انتخاب نقش‌هایشان روز به روز افزایش پیدا می‌کند.

تغییر دیگری که در الگوی زن سنتی ایجاد شده است، مالکیت زن نسبت به بدن و جسم خودش است؛ فشارهای اجتماعی بر روی نوع پوشش، حجاب، انتخاب همسر و مادر شدن کمتر شده است.

این موقعیت بینابینی زنان بین دو فرهنگ سنتی و مدرنیته موجب شکل‌گیری نوعی تعارض و سرگردانی در هویت زنان شده است و زنانگی و ساختارهای زنان از مولفه‌های خانوادگی به مولفه‌های فردی (زن) در حال تقلیل است.

نشریه

پرنیان

شماره ۱۴ | دی ماه ۱۴۰۴



سرطانے به نام حجاب استایل



کلمه «حجاب» در اصل به معنی «پرده و پوشش محافظ» است؛ چیزی که قرار است دیده نشدن را تأمین کند؛ نه بیشتر دیده شدن را. در اسلام هم حجاب فقط یک تکه پارچه نیست؛ یک رمز رفتاری و اخلاقی برای حفظ کرامت و شخصیت انسان است؛ اما چند سالی است، جریانی شکل گرفته که از آن با عنوان «حجاب استایل» یا «عشوه استایل» یاد می شود؛ جریانی که ظاهرش مذهبی اما کارکردش دقیقاً برعکس چیزی است که حجاب برای آن وضع شده است.

در نگاه اسلامی، زن مؤمن نه فقط با پوشش بلکه باوقار و حیا و رفتار اجتماعی اش شناخته می شود؛ چیزی که ما به آن «حجاب زینی» می گوییم؛ یعنی همین ترکیب پوشش همراه با متانت و شخصیت؛ اما وقتی پوشش به یک صحنه نمایش، یک ژست یا بهانه ای برای جلب نگاه بیشتر تبدیل می شود، دیگر از آن الگو فاصله گرفته ایم.

رفتاری که امروزه در فضای مجازی دیده می شود کاملاً خلاف فلسفه حجاب است: از سگ گردانی با ژست های عشوه گرانه، دابسمش گرفتن با آهنگ های دم دستی، آرایش عروس همراه با چادر، خودنمایی در زیارتگاه ها، اندام نمایی با لباس های تنگ که اتفاقاً اسمش را هم پوشیده می گذارند تا حتی قلیان کشیدن با چادر!

همه این ها یک پیام مشترک دارند: حجاب برای بعضی ها به جای ابزاری برای پوشش، به ابزار شهرت تبدیل شده است.

مسئله این نیست که استایل ها زیباتر شده یا ویدئوها بیشتر دیده می شود یا حتی عده زیادی به همین وسیله از حجاب استقبال کرده اند؛ مشکل اینجاست که به بهانه حجاب و کافی بودن آن برای شناخته شدن به عنوان مسلمان، «اصل حیا و عفت در حال محوشدن است.»

قرآن درباره همین دوگانگی هشدار داده است و در سوره بقره، آیه ۱۰ می‌گوید: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا»؛

یعنی بعضی آدم‌ها ظاهراً در مسیر حق هستند؛ اما دلشان از نیت درست خالی است و همین ظاهرگرایی آرام‌آرام آن‌ها را به انحراف می‌کشاند. پیام آیه ساده است: «هر رفتار دینی، اگر از نیت پاک و هدف درست تهی شود، شکل ظاهری‌اش فریبنده می‌شود و کارکرد واقعی‌اش از بین می‌رود. حجاب هم اگر برای جلب توجه به کار رود، دیگر "حجاب" نیست؛ حتی اگر چادر باشد.» کارکرد واقعی حجاب آرامش اجتماعی است؛ نه رقابت ظاهری.

مگر حجاب قرار نبود پرده‌ای باشد برای حفظ حریم و امنیت و آرامش اخلاقی؟ پس چرا به ابزاری برای ساختن پرسونای آنلاین تبدیل شده است؟

وقتی چیزی که در اصل باید کمک‌کننده‌ی کمتر دیده شدن باشد، خودش تبدیل به ابزار بیشتر دیده شدن می‌شود؛ یعنی مسیر کاملاً عوض شده است. حجاب‌استایلی، عملاً به فشار ظاهربینی و رقابت مد و زیباییایی تبدیل شده است.

پس مسئله فقط مدل روسری یا نوع چادر نیست؛ مسئله نیتی است که پشت ظواهر آن قرار می‌گیرد. اگر هدف کرامت و حضور سالم باشد، حجاب کارکرد واقعی‌اش را دارد؛ اما اگر نیت از آن به رقابت، گرفتن لایک و فالوور بیشتر و نمایش تبدیل شود، دیگر حتی چادر هم نمی‌تواند پرده حیا باشد. بازگشت به حجاب زینبی یعنی برگشت به حیا، ساده‌زیستی، صداقت و نیت روشن؛ نه بازی‌های ظاهری. حجاب زمانی ارزش دارد که «پرده کرامت» باشد نه «پرده تماشا».

پس به‌عنوان یک زن مسلمان، نباید پوششی را که با آن نمی‌توان نماز خواند را به‌عنوان پوششی برای ظاهرشدن در اجتماع انتخاب کرد.

۳

استاندارد دوگانه غرب؛
پوشش برای نخبگان
برهنگه برای عوام



غرب سال‌هاست که بابوق و گرنای رسانه‌ای، دوگانه کاذبی به نام «آزادی در برابر اسارت» را در ذهن جهانیان پمپاژ می‌کند. فرمول آن‌ها ساده است: هرچه برهنه‌تر، آزادتر؛ هرچه پوشیده‌تر، اسیرتر؛ اما کافی است از هیاهوی فرش قرمزها و ویتترین‌های پر زرق و برق خیابان شانزلیزه فاصله بگیرید و سری به اتاق‌های فکر و مراکز آکادمیک تراز اولشان بزنید تا ببینید این فرمول، دروغی بیش نیست که تنها برای «عوام» تجویز می‌شود.

قانون برای نخبگان و ولنگاری برای عوام؛ شاید برای کسانی که مسحور سریال‌های نتفلیکس هستند، باورکردنی نباشد که در قلب تگزاس، در دانشگاهی معتبر مثل «هاردین سیمونز» (Hardin-Simmons)، چیزی شبیه به «کمیته انضباطی» ما وجود دارد که با خط‌کش، سانت به سانت لباس دانشجویان را رصد می‌کند.

کتابچه قوانین (Student Handbook) این دانشگاه و ده‌ها مرکز علمی مشابه، صراحتاً اعلام می‌کند: «لباس شما باید بازتاب‌دهنده وقار محیط علمی باشد.»

در این دانشگاه‌ها پوشیدن شلوارک‌های کوتاه، لباس‌های بندی، بدن‌نما و هرآنچه که ذره‌ای از حریم بدن را بیهوده به نمایش بگذارد، ممنوع است؛ چرا؟ چون تمدن غرب در لایه‌های زیرین و مدیریتی خود، حقیقتی را می‌داند که نمی‌خواهد توده‌های مردم بفهمند:

«برهنگی، قاتل تمرکز است.» آن‌ها خوب می‌دانند در محیطی که قرار است «علم» تولید شود، «تکنولوژی» پیشرفت کند و «قدرت» شکل بگیرد، جایی برای نمایش جذابیت‌های جنسی نیست؛ آنجا جای مغزهاست، نه اندام‌ها.

اوج وقاحت این سیاست یک بام و دو هوا زمانی آشکار می‌شود که پای «زن مسلمان» به میان می‌آید. چطور است که اگر دختری در دانشگاه هاردین سیمونز، طبق قانون دانشگاه بدنش را بپوشاند تا «حرفه‌ای» و «باوقار» به نظر برسد، تحسین می‌شود و به او برجسب «دانشجوی منضبط» می‌زنند؛ اما اگر زنی در خیابان‌های پاریس یا تهران با همان استدلال «حفظ وقار و تمرکز»، حجاب را انتخاب کند، کارخانه پروپاگانداي غرب او را «قربانی» و «تحت ظلم» معرفی می‌کند؟

این تناقض فاحش نشان می‌دهد که دعوای غرب با حجاب، دعوای بر سر آزادی زن نیست؛ بلکه دعوای بر سر «کاربری زن» است. در دانشگاه و محیط‌های نخبگانی خودشان، زن را به‌عنوان «انسان متفکر» می‌خواهند، پس لباسش را کامل می‌کنند تا عقلش دیده شود؛ اما در فرهنگ عمومی و برای جوامع مصرف‌کننده، زن را به‌عنوان «کالای بصری» می‌خواهند، پس او را تشویق به برهنگی می‌کنند تا جذابیتش فروخته شود.

کلام آخر

غرب برای خودش «پوشش» را عامل انضباط و پیشرفت می‌داند؛ اما برای ما نسخه «برهنگی» می‌پیچد. آن‌ها در آزمایشگاه‌ها و کتابخانه‌هایشان، دکمه‌هایشان را می‌بندند تا فکرشان باز شود؛ اما در خیابان‌ها دکمه‌ها را باز می‌کنند تا فکرها بسته شود. ماجرا ساده است: آن‌ها لباسی را که در «هاردین سیمونز» نشانه تمدن است؛ در خیابان‌های ما نشانه «توحش» می‌نامند و این، بزرگترین طنز تلخ عصر ماست.



حجاب استایل؛ تنوع قاعده مند





چگونه حجاب استایل‌ها تسهیل‌گر و متنوع‌کننده پوشش اسلامی میشوند؟

حدود دو میلیارد نفر از ساکنان کره زمین، پیرو دین مبین اسلام هستند. اسلام دینی است که قوانین و دستورات آن، همه در مسیر تعالی و سعادت انسان وضع شده‌اند. بخش قابل‌توجهی از این قوانین و توصیه‌ها، ویژه زنان مسلمان است؛ چراکه اسلام برای زنان، ارزش و مقامی والا قائل شده است. خداوند در آیه ۱۹۵ سوره آل عمران می‌فرماید: «إِنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى» و بر این حقیقت تأکید می‌کند که زنان از نظر ارزش‌گذاری انسانی، هیچ تفاوتی با مردان ندارند.

در میان این قوانین ویژه اسلام برای زنان، «پوشش اسلامی» یا به اختصار «حجاب»، یکی از مهم‌ترین و در عین حال چالش‌برانگیزترین موضوعات در دنیای معاصر به شمار می‌رود. حجاب اسلامی، چارچوب‌هایی را مشخص می‌کند که رعایت آن‌ها زنان را از آسیب‌های روحی و جسمی احتمالی حفظ می‌کند. این پوشش همچنین در طول تاریخ ابعاد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای داشته است که تا امروز نیز پابرجاست.

در سال‌های اخیر، حجاب اسلامی از آن مفهوم و نمود سنتی خود کمی رها شده و به‌سوی تجدد حرکت کرده است؛ از حدود سال ۲۰۱۰ و به‌صورت جدی‌تر از سال ۲۰۱۳، با فعالیت اینفلوئنسرهای مسلمان در فضای مجازی و به‌ویژه اینستاگرام، به‌تدریج بحث «حجاب استایل» مطرح شد. اگرچه برخی از جریانهای مرتبط با حجاب استایل، ممکن است به تحریف مفاهیم اسلامی منجر شده باشند؛ اما ظهور آنها در ایران تأثیر بسزایی بر پوشش زنان مسلمان ایرانی گذاشت. پوشش زنان ایرانی پس از انقلاب اسلامی، عمدتاً «چادر» به عنوان نماد پوشش کامل اسلامی و «مانتو» به عنوان پوششی گاه با حجاب کمتر تقلیل یافته، بود.

نویسنده:
سیده ندا طباطبایی
رشته علوم سیاسی

نشریه
پرنیان

شماره ۱۴ | دی‌ماه ۱۴۰۴

آسیب این نگرش، در این بود که حجاب کامل تنها به چادر محدود می‌شد؛ درحالی‌که در اسلام، پوشش چادر اجباری نیست و تنها به‌عنوان «حجاب برتر» شناخته می‌شود. همین دیدگاه محدود، به مرور زمان باعث شد برخی از زنان ایرانی، پوشش اسلامی را رها کرده و به سمت پوشش‌های غیراسلامی یا کم‌حجاب‌تر گرایش پیدا کنند؛ زیرا چادر، هرچند حجاب برتر است اما می‌تواند با محدودیت‌های عملی همراه باشد.

از سوی دیگر، اگرچه فلسفه حجاب اسلامی بر پوشیدگی و دوری از تبرّج استوار است؛ اما توجه به اصل زیبایی و شکیل بودن و راحتی در پوشش نیز بسیار اهمیت دارد؛ این همان نیازی بود که اینفلوئنسرهای محجبه در قالب «حجاب‌استایل» به آن پرداختند. نیازی که سال‌ها کمتر به آن توجه شده بود، در نهایت سبب جذب طیف گسترده‌ای از بانوان ایرانی به الگوهای محجبه اینستاگرامی شد و تغییر شگرفی در پوشش زن ایرانی ایجاد کرد. پوششی که اگر پیش از این، تنها به چادر و مانتو خلاصه می‌شد؛ اکنون متنوع شده و در عین حال که زیبا و شیک و راحت است، آن محدودیت‌های عملی چادر را نیز ندارد.

اگرچه بسیاری منتقدان از خطر استحاله پوشش اسلامی در پیوند با جریان حجاب‌استایل سخن می‌گویند؛ اما به‌جرت می‌توان گفت که ظهور این پدیده، می‌تواند اتفاقی مبارک در مسیر ترویج عفاف و حجاب در ایران نیز باشد. مسیری که حجاب‌استایل‌ها آغاز کرده‌اند، با هدایت و مدیریت صحیح می‌تواند به نقطه‌ای برسد که نه‌تنها تبرّج و افراط‌گری‌های برخی جریان‌ها را نداشته باشد، بلکه خود به‌عنوان الگویی زیبا، شکیل، راحت و مقبول، به ترویج گسترده‌تر پوشش اسلامی بینجامد. همان‌گونه که در بسیاری از جوامع مسلمان غیرایرانی، پوشش رایج لزوماً چادر نیست؛ اما دارای تنوع و مقبولیت اجتماعی بالایی است و زنان با آرامش و محدودیت کمتری در عرصه‌های گوناگون جامعه حضور می‌یابند. چادر اسلامی، هرچند به‌عنوان حجاب برتر دارای جایگاهی والا است؛ اما باید توجه داشت که جامعه نیازمند انعطاف است. یکی از عرصه‌هایی که انعطاف و نوآوری در آن ضرورت دارد، «مسئله پوشش اسلامی» است که توجه‌نکردن به نیازهای روز و سلیقه‌های متنوع، در درازمدت می‌تواند به احساس زدگی از ارزش‌های اصیل منجر شود.



آسیب زیبا!



صفحات مجازی‌ام پر شده بود از دختران و زنانی که دلبری‌هایشان در میان لباس‌های بلندشان با مدل‌های زیبا و رنگارنگ، آرایش‌های آن‌چنانی و مدل‌های روسری و شال بی‌نظیرشان دلم را مایل به مدل جدیدی از خودم می‌کرد.

انگار چادر، بند و پوششی اضافی بود و من نمی‌توانستم همین‌قدر دلبر و در عین حال همان‌قدر هم مسلمان و مومن و محجبه باشم. این صحبت‌ها بود که توی ذهنم می‌چرخید و هر بار وادارم می‌کرد تا زیبایی پوشش‌هایی که چادر در آن نقشی نداشت را امتحان کنم! چادر ساده پوشاننده، دیگر برایم دوست‌داشتنی نبود؛ چون جلوی دوست‌داشتنی بودنم را گرفته بود.

چادری که وقتی می‌پوشیدمش توجه کسی آن‌قدرها هم به دختر جوانی که آن طرف‌ها بود، جلب نمی‌شد. نگاهی به من خیره نمی‌شد و من مثل کسی بودم که وجود هم نداشت. من با چادر هیچ حس خاصی را تجربه نمی‌کردم و ذهنم بیش از حد آرام بود؛ پس هیجان چه می‌شد؟ و شد آنچه که نباید!

چادر به کناری افتاد و جایش را لباس‌های زیبای زیادی پر کرد. بعدها که صحبت از حجاب‌استایل‌ها و نقد به آن‌ها شد، دفاعشان تغییر نسل بود و جذاب‌بودن برای این نسل با سلیقه و خلاق.

من اما هرآنچه که دیده بودم، دخترانی بودند که چادرشان را برمی‌داشتند تا شبیه آن‌ها (حجاب‌استایل‌ها) شوند و نه برعکس آن، دختران بدحجاب یا کم‌حجابی که میل به حجاب پیدا کنند.

حالا ذهنم خسته‌تر، انتخاب لباسم سخت‌تر، نگاه دیگران برایم مهم‌تر و وابسته‌بودن به توجه بقیه بیشتر بود؛ من دیگر دختری بودم که زیبا بود، بسیار زیبا و شیک‌پوش؛ اما آن دختر ساده و پر از خلاقیت نه.

خلاقیت من صرف پوششی می‌شد که می‌بایست حجابم باشد و حالا حجابی بود چشم‌نواز و شاید به همین خاطر وسط جشن میلاد دختر پیامبر (ص) عیدی‌ام را «برگشت به چادر خواستم»